

بزنگاه دوستی

برای مازیار میری که با بیماری سختی دست به گریبان است



علی ورامینی

دبیر گروه فرهنگ

◀ متن: علی کردی، ایران

حال جسمی مازیار میری خوب نیست. مرد همیشه محترم

و مودب سینمایی ایران، با بیماری سختی دست‌وپنجه نرم

می‌کند. حتماً پیروز بیرون می‌آید، مثل خیلی‌های دیگر

که درگیر این شر شدند و چند صباحی اذیت، بعدتر هم

به زندگی عادی بازگشتند و تجربه مواجهه با شر برایشان

ماند. میری، در پستی در اینستاگرام، تصویری از خودش

(احتمالاً در بیمارستان) منتشر کرده است. با پورت تزریقی

روی سینه‌اش؛ پورتی که خبر از درمانی نه‌چندان آسان و

روزهای نه‌چندان سهل می‌دهد. آدمی در روزهای سخت،

دل و جانش رقیق‌تر می‌شود. میری هم چنان شده است.

زیر عکسش نوشته: «قبل از این بیماری وحشتناک فکر

می‌کردم رقیق‌های زیادی دارم اما بعدش فهمیدم رقیق‌های

کم و آشنای‌های زیادی دارم... دل‌نوشته مازیار میری و جوی

نظری به‌خصوص فلسفی می‌دارد. دوستی از قدیم مورد

عنایت فیلسوفان بوده؛ از ارسطو تا فیلسوفان معاصر چون

مک اینتایسر و آرنست. آنچه میری از تجربه‌اش در مواجهه با

بزنگاه سخت گفته است، تجربه تبدیل کسانی است که

«رقیق» یا دوست می‌پنداشته به کسانی که امروز برایش

«آشنايان» هستند. آنان دوستی نه هدف اولشان که ابزاری

است که تقریباً همه‌ما با آن مواجه‌شدیم یا خواهیم شد. حتی

آنانی که مازیار میری آشنا پنداشته‌شان و نه رقیق هم با خود

این وضعیت را زیسته‌اند یا خواهند زیست. این وضعیت برای

کسانی چون میری با عمق و طول بیشتری حادث می‌شود.

کسانی که از سویی شبکه ارتباطی گسترده‌ای دارند و از

سوی دیگر بسیاری در اول قدم آشنایی با داعیه رفاقت یا

در میان می‌گذرانند. آنان دوستی نه هدف اولشان که ابزاری

برای بهره بردن است. این وضعیت را «تاد می»، فیلسوف

معاصر آمریکایی در کتاب مهم‌اش «دوستی در عصر اقتصاد:

مقاومت در برابر نیروهای تولیدبرایسم» صورت‌بندی کرده

است. در این کتاب که به فارسی و با ترجمه کاوه بهبهانی هم

منتشر شده، تادمی استدلال می‌کند که تولیدبرایسم نه‌تنها

یک نظام اقتصادی، بلکه یک نیروی فرهنگی و اجتماعی

است که هویت‌ها، ارزش‌ها و روابط انسانی را شکل می‌دهد.

او معتقد است که تولیدبرایسم با تأکید بر فردگرایی، رقابت

و بهره‌وری، روابط انسانی را به روابطی مبتنی بر سود و

منفعت تبدیل کرده و مفهوم اصل دوستی را تضعیف کرده

است. «تاد می» با بهره‌گیری از مفهوم «فیگور» برگرفته از

میشل فوکو، دو نقش اصلی در جامعه تولیدبرال را معرفی

می‌کند: یکی نقش کارآفرین؛ کسی که همواره زندگی

خود را به‌عنوان یک پروژه سرمایه‌گذاری می‌بیند و دائم در

حال بهینه‌سازی خود برای کسب موفقیت بیشتر است. آن

دیگری هم نقش «مصرف‌کننده» است؛ شخصی که هویت

خود را از طریق مصرف کالاها و خدمات تعریف می‌کند و به

دنبال لذت‌های آنی است. تقسیم کار اجتماعی بر مبنای

این دو نقش آدمیان را در نسبت با یکدیگر به ابزاری تقلیل

می‌دهد که به کار پرزنگ‌تر کردن این دو نقش می‌آیند. گویی

خود آدم یا بخوانید رقیق هیچ ارزش ذاتی ندارد. مانند آن

دیالوگ معروفی که در فیلم «جهان با من برقص» سیلواش

چراغی‌پور می‌گوید. او که نقش مردی را بازی می‌کند که

زن جوانش سال‌ها از خودش کوچک‌تر، قدبلندتر و زیباتر

است، در جواب دوستش که می‌گوید آن زن تو را برای

ثروثات می‌خواهد نه خودت، می‌گوید: «آن ماشین بنز،

ویلا و شمال، کار خانه سوسیس و... هم من هستم.»

شوربخانه میزانشن آن سکشن چنان است که گویی فیلم

با این دیالوگ همدل است و این وضعیت را پذیرفته است.

در صورتی که خود اصیل آدمی، آن لحظه‌ایست که بی‌هیچ

کدام از این‌ها، بی‌هیچ چیز عاریتی از بیرون «آن» باشد.

مثلاً اگر آن مرد متمول ورشکست شود و هیچ‌کدام از این‌ها را

نداشته باشد دیگر «من» نیست. یا حتی پیچیده‌تر از این؛

استاد علامه‌ای که سال‌ها به‌واسطه علمش مورد ستایش

قرار گرفته و بر صدر نشسته اگر دچار دمانس شود و فرق

در خانه و در خیال را از یکدیگر نتشاند دیگر خودش

نیست و نباید قدر ببیند؟ در ساختار فعلی، ساختار مبتنی

بر کارآفرین و مصرف‌کننده جواب منفی است. آدمی همان

نقش‌های عاریتی از بیرونش است و دوستی هم، دوستی

با این نقش‌هاست نه آن آدم بدون نقش‌هایش. در برابر

این نیرو و ساختار، تادمی از «دوستی عمیق» به‌عنوان

شکلی از مقاومت در برابر تولیدبرایسم یاد می‌کند. او معتقد

است که دوستی‌های واقعی مبتنی بر اعتماد، برابری و

خیرخواهی متقابل هستند و می‌توانند به‌عنوان الگویی

برای روابط انسانی در برابر ساختارهای تولیدبرال عمل

کنند. با همان رفاقتی که «سید» در گوزن‌های کیمیایی

به «قدرت» نشان داد؛ سید که خلاف وضعیت فراگیر،

هروقت قدرت می‌بخت، رقیفش بود و هروقت می‌برد،

تنه‌ایش می‌گذاشت. مازیار میری در پایان نوشته‌اش از

معدود دوستانی هم یاد می‌کند. دوست معدودش هم

نعمت‌بزرگ‌بخت، به قول آگوزپری «دوست از چیزهایی است

که قسمت هر کس نمی‌شود.» امیدوارم که مازیار میری

را به‌زودی در حال کات دادن و مدیریت کردن صحنه اثر

جدیدش ببینیم. شاید فیلم بعدی را در باره دوستی ساخت.

۱۶

۲۴ ساعت

24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com

@Hammihanonline

- صاحب امتیاز و مدیر مسئول: غلامحسین کرباسچی
- مشاوران: عباس عبدی و احمد زیدآبادی
- سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیو • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
- دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمن منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
- علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
- مدیر اداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
- مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
- هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸

• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰



هشتمین قهرمانی با هشت محبوب

بررسی وضعیت مبهم نیمکت مربیگری استقلال بعد از پایانی خوش

سهرابیان به دلیل خطاپشت محوطه جرمه باید با دریافت کارت زرد دوم از زمین مسابقه اخراج می‌شد اما موعود بنیادی رف نه‌تنها این صحنه را خطا ندانست، بلکه اتاق وار حتی این صحنه مشخص را بازبینی نکرد تا به داور کمک کرده باشد. مازیار زارع بعد از این مسابقه در نشست خبری علیه داور مسابقه توفان به‌پا کرد. زارع درباره خطای رخ داده روی محمد عمری و اخراج‌نشدن مدافع استقلال گفت: «سوال من این است که آقای کلاتنبرگ مگر نگفتند بازیکن استقلال به‌خاطر خطا روی عمری باید اخراج می‌شد؟ شش داور دیگر هم این حرف را زدند. همه دیدند که استقلال جلوی تیم ما باید ۱۰ نفره بازی می‌کرد. می‌دانستیم که بین ما و استقلال، استقلال باید قهرمان می‌شد! اما مردم استان گیلان، به زندگی شما می‌زند. سیستم کمک‌داور ویدئویی که باید آن را اصلاً جمع کنند و ببرند به خانه خودشان. این سیستم در فوتبال ایران، دکور است. نمی‌خواهند بعضی از صحنه‌ها را ببینند». البته از این دست نقدهای تند و تیز همراه با اتهام، همیشه پشت‌سر تیم‌های قهرمان وجود دارد. سال گذشته بعد از قهرمانی پرسپولیس در هفته پایانی لیگ برتر، باشگاه استقلال با کنایه به این قهرمانی اعلام کرد، جام شرافت مهم بود که به استقلال رسید و شاگردان اوسمار با گل آفساید قهرمان شدند. این بخش کوچکی از جنجال سال گذشته بود که تا مدت‌ها در موردش صحبت می‌شد. حالا با قهرمانی استقلال، تیم نایب‌قهرمان شدیدترین اتهامات ممکن را به استقلال وارد کرده است. این چرخه همیشه در فوتبال ایران ادامه دارد و از تیمی به تیم دیگر منتقل می‌شود.

وضعیت نامشخص سرمربی

شاید مدیران باشگاه استقلال تصور نمی‌کردند مجتبی جباری با این تیم در جام حذفی به مقام قهرمانی برسد؛ به همین دلیل نام او در بین گزینه‌ها نبود. یکی از دلایل ناراحتی جباری در پایان این مسابقه حساس در نشست خبری، همین موضوع بود. جباری معتقد است، مدیران باشگاه استقلال آنطور که باید اهمیت و احترام برای او قائل نبودند تا هشت محبوب هم در بین گزینه‌های مربیگری فصل آتی جای داشته باشد. کلارنس سیدورف که دو هفته پیش به‌عنوان مشاور مدیرعامل باشگاه استقلال معرفی شد، هنوز به تهران نیامده اما برخی شایعات در خصوص معرفی سرمربی این تیم در فصل آتی می‌گوید، قرار است سیدورف به‌صورت مستقیم با مربی فصل بعد مذاکره و به توافق برسد. یکی از مربیانی که در آستانه توافق نهایی با استقلال قرار داشت، سایپنتو برتالی بود که حتی بر سر مبلغ قرارداد نیز به توافق رسید و در آستانه امضاء کردن قرار داشت که ظاهراً سیدورف با این قرارداد مخالفت کرده و به مدیران باشگاه گفته، می‌تواند یک مربی با رزومه بهتر از سایپنتو برای این تیم بیابد. در حال حاضر سیدورف نظر مثبتی روی جباری ندارد چرا که معتقد است، سرمربی خارجی بیش از جباری به کار استقلال می‌آید و می‌تواند این تیم را به مقام قهرمانی در لیگ برتر فصل آینده برساند. گفتنی است، یک سرمربی اسپانیایی با سابقه کار در لالیگا اسپانیا گزینه جذابی از سوی سیدورف است. ازسوی دیگر، دو مربی هلندی نیز قرار است به زودی با معرفی سیدورف، با باشگاه استقلال مذاکره کنند. فرهاد مجیدی، دیگر گزینه‌ای است که به مدیران باشگاه استقلال اطلاع داده، باید وضعیت‌اش در فوتبال امارات مشخص شود و اگر پیشنهاد خاصی از تیم‌های این کشور نداشته باشد، می‌تواند روی «استقلال» نیز فکر کند. باید دید در پایان استقلال می‌تواند بایک مربی بزرگ به توافق برسد یا از بین جنتی جباری و فرهاد مجیدی، یک نفر سرمربی فصل بعد این تیم خواهد بود. آنچه به‌نظر می‌رسد، توافق با سیدورف برای به‌خدمت‌گرفتن مربی و بازیکنان با کیفیت خارجی است.

گزارشگر ورزشی هم‌میهن: فصل فوتبالی ایران با مشخص شدن قهرمان جام حذفی، پنج‌شنبه‌شب به پایان رسید. تیم فوتبال استقلال تهران که در لیگ برتر عملکرد بسیار ضعیفی داشت و نتوانسته بود تعداد بردهایش را دورقمی کند، در جام حذفی رویکرد متفاوتی از خود نشان داد و توانست در یکی از سخت‌ترین سال‌های این باشگاه، یک جام قهرمانی را به هوادارانش هدیه بدهد. پنج‌شنبه‌شب استقلال در دیداری نه‌چندان جذاب موفق شد با گل زینبیه‌های پایانی روزه به‌چشمی در وقت‌های اضافی ۱۲۰ دقیقه، از سد ملوان عبور کند و برای هشتمین بار قهرمان جام حذفی شود. نکته حائز اهمیت اما جامی است که هواداران استقلال همچنان نمی‌دانند مربی فصل بعد تیم‌شان چه کسی است و کدام بازیکنان قراردادشان را تمدید و چه بازیکنانی از این تیم جامی می‌شوند. در این گزارش قصد داریم مسیر یک‌ساله استقلال را در کنار برخی حواشی ایجادشده طی یک‌هفته اخیر مورد نقد و بررسی قرار دهیم؛ فینالی که به پایان رسید، اما حواشی‌اش همچنان ادامه دارد.

تأثیر جباری

موفقیت استقلال در جام حذفی، بیش از همیشه برایشان از اهمیت خاصی برخوردار بود. آنها یک فصل تمام از رقیب دیرینه خود پایین‌تر بودند، در رفت‌وبرگشت در دربی تهران مقابل پرسپولیس شکست خوردند و تا هفته‌های پایانی حتی بقای‌شان در لیگ برتر هم قطعی نشده بود، اما پایانی خوش نصیب استقلال شد. حالا استقلالی‌ها می‌توانند با نگاه بالا به پایین بگویند، در بهترین سال فوتبالی یک‌جام به‌ویترین افتخارات باشگاه اضافه کردند و سهمیه سطح دو مسابقات لیگ قهرمانان آسیا را نیز به‌دست آوردند. این قهرمانی را اما باید تا حدود بسیاری به‌نام مجتبی جباری نوشت؛ مربی آرامی که ادبیات متفاوتی نسبت به بسیاری از مربیان وطنی دارد. آرام صحبت می‌کند و اهل فریاد و تنش در کنار خط، هنگام برگزاری مسابقه نیست. دستیارانش را به سمت داور نمی‌فرستد تا فحاشی کنند. مدل مربیگری او بیش از آنکه حاشیه در برداشته باشد، به‌دنبال راه‌حلی برای موفقیت و باز کردن گره است. جباری از مرحله یک‌چهارم نهایی جام حذفی، مرد اول کادرفنی استقلال بود؛ ۳ بازی، ۳ گل زده، بدون هیچ گل خورده. یکی از کوردهایی که جباری به آن نزدیک شد، قرار گرفتن در کنار امیر قلعه‌نویی به‌عنوان یکی از مربیان جوان که حالا جام قهرمانی کسب کرده، است. جباری با ۲۲ سال سن، حالا به‌عنوان دومین مربی جوان تاریخ باشگاه استقلال شناخته می‌شود که موفق شده تیم را به مقام قهرمانی در جام حذفی برساند. جباری پس از امیر قلعه‌نویی، دومین مربی جوانی است که این افتخار را در کارنامه خود ثبت کرده است. پیش‌ازین، امیر قلعه‌نویی در سال ۱۳۸۱ و زمانی که تنها ۳۹ سال داشت، به‌صورت موفق هدایت استقلال را در چند دیدار لیگ برتر و جام حذفی برعهده گرفت و توانست این تیم را به قهرمانی جام حذفی برساند. قلعه‌نویی همچنان عنوان جوان‌ترین مربی تاریخ باشگاه استقلال که موفق به فتح جام حذفی شده را در اختیار دارد. قلعه‌نویی در روزهای فصل ۸۲-۸۱، دستیار ناصر حجازی بود که در ادامه راه به‌عنوان سرمربی موفق معرفی شد و در فینال این رقابت‌ها (جام حذفی) با عبور از فجر شهید سپاسی، قهرمانی را به ارمغان آورد.

اعتراض همیشگی به قهرمان‌ها

دیدار پنج‌شنبه‌شب اما با اشتباهات و تصمیمات بحث‌برانگیز موعود بنیادی رف همراه شد که به همین دلیل اعتراض مازیار زارع و سایر دستیارانش در باشگاه ملوان را بی‌داشت. براساس آنچه کارشناسان داوری از جمله یاسر همرنگ و مارک کلاتنبرگ انگلیسی گفتند، در نیمه نخست آرمن

چهره

اولین دختر طلایی دوومیدانی ایران در آسیا

در جریان روز سوم از بیست‌وششمین دوره مسابقات دوومیدانی قهرمانی آسیا (۲۵ و ۲۶ کره جنوبی) ریحانه مبینی، دانشجوی دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، پس از ۵۲ سال طلسم رکورداری زنان ایرانی در عرصه ورزش جهانی را شکست. گفتنی است، ریحانه مبینی در پرش طول موفق شد با پرشی به طول ۶/۴۰ متر، با اقتدار به مقام قهرمانی و مدال طلای این رقابت‌ها دست پیدا کند. او با وجود محدودیت‌های زمانی، امتحانات دانشگاهی و البته نبود زمین‌های باکیفیت تمرین در داخل ایران، در رکوردگیری‌ها و تست‌های مختلف، عملکردی موفق و قابل قبول داشت. گفتنی است، «مبینی» از معدود ورزشکاران ایرانی است که هیچ فعالیتی در شبکه‌های اجتماعی از جمله اینستاگرام ندارد و زندگی‌اش را بر مبنای موفقیت در بخش ورزش و زندگی شخصی (دندانپزشکی) ترسیم کرده است. مبینی چندی پیش اعلام کرد، بعد از پایان دوره تحصیل‌اش به‌صورت تمام‌وقت در خدمت تیم ملی خواهد بود.



کتابخانه

آخرین کتاب غول ادبیات

یوسا، نویسنده همیشه منتقد ادبیات آمریکای لاتین که در ۶۰ سال عمر فعالیت نویسندگی خود، آثار مهمی در زمینه نقد سیاسی و اجتماعی کشورش می‌نوشت، در سال ۲۰۲۳ و در آخرین کتاب خود، سراغ داستانی رفته که به وسیله آن یک آرمانشهر را توصیف کند. او با نام‌گذاری این کتاب به‌اسم «سکوتر» را به شما تقدیم می‌کند؛ به علاوه‌مندانش این هشدار را داد که بعد از این کتاب، سکوت خواهد کرد. البته که کمتر از دو سال پس از انتشار کتاب آخرش، درگذشت. «سکوتر» را به شما تقدیم می‌کنم». داستان مردی برونی به‌نام تونی اسپیکلوتواست که در رویای کشوری که موسیقی باعث اتحاد مردم آن می‌شود، سرگردان شده است.

در دوره زندگی تونی در پرو، خشونت و تعصبات نژادی کشور را به ویرانه‌ای تبدیل کرده. تونی روزهای خود را بین کار در مدرسه به‌عنوان معلمی مهربان و وقت‌گرانی با خانواده‌اش تقسیم کرده است. در همین اوضاع، شنیدن یک قطعه گیتار از مردی ناشناس، تفکرات تونی را درگرو می‌کند. این کتاب یک‌ماه پیش از مرگ یوسا، توسط نشر برج به چاپ رسید.

سکوتر را به شما تقدیم می‌کنم

نویسنده:

ماریو واراگاس یوسا

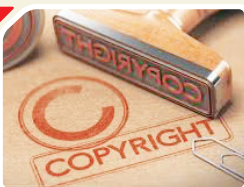
مترجم: سعید متین

نشر: برج



تاریخ

تصویب قانون کپی‌رایت



۳۱ مه ۱۷۷۹، نخستین قانون حق تکثیر (Copyright) در آمریکا با هدف حمایت از حق تألیف نویسندگان و صاحبان آثار ادبی به تصویب رسید. حق تکثیر، مجموعه‌ای از حقوق انحصاری است که به

ناشر یا پدیدآورنده یک اثر اصل و منحصر به‌فرد تعلق می‌گیرد و حقوقی از قبیل نشر، تکثیر و الگوبرداری از اثر را شامل می‌شود. اهمیت حق تکثیر با چاپ گسترده کتاب و اختراع دستگاه چاپ مطرح شد، زیرا تا پیش از آن نه امکان تکثیر انبوه آثار ادبی و هنری فراهم بود، نه سرعت علمی و ادبی به‌شکلی گسترده وجود داشت. ازسوی دیگر، دردمحوری دوران مدرن شکل نگرفته بود و هر اثری حاصل فرهنگ جمعی به‌شمار می‌آمد. در عصر جدید اما نه‌فقط تکثیر کتاب‌ها مشمول قواعد حقوق کپی‌رایت شد، بلکه به‌مرور قوانین حق تکثیر توسعه یافتند و شامل آثار هنری، موسیقی و انواع آثار خلاقانه شدند. در ایران نیز قانون حق تکثیر و قانون ثبت علائم تجاری در سال ۱۳۰۴ و قانون حمایت از حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان در سال ۱۳۴۸ رسمیت یافت، اما با این همه ایران هنوز به قانون جهانی کپی‌رایت نپیوسته است.